

دفاع نوگرایانه رشید رضا از اسلام؛ ترجمه و تحلیل از سیمون ای. وود؛ آکسفورد: وان - ورلد، ۲۰۰۸

با وجود علاقه فزاینده محافل دانشگاهی به تفکر مدرن اسلامی، بسیاری از برجسته‌ترین آثار متفکران مسلمان قرن نوزدهم و بیستم به زبان‌های اروپایی ترجمه نشده، در دسترس نیست. محققان این حوزه نیز عموماً به تحلیل جزئیات محتوای واقعی این آثار نپرداخته‌اند؛ از این رو، هرچند در زمینه تفکر اجتماعی و سیاسی اسلامی کارهای زیادی انجام شده است، در واقع بسیاری از اندیشه‌هایی که روشنفکران مدرن مسلمان آنها را پیش‌نهاده‌اند، تا کنون جز به صورت مدهای سطحی بررسی نشده‌اند. کتاب جدید سیمون وود با عنوان نقدهای مسیحی، برهان‌های اسلامی، ترجمه و تحلیل دقیقی از یکی از مغفول‌مانده‌ترین متفکران مسلمان برجسته در اوایل قرن بیستم است و تا حدی این کاستی را جبران می‌کند. بنا بر رساله دکتری وود در سال ۲۰۰۴ در دانشگاه تمپل،<sup>۱</sup> به راهنمایی محمود ایوب، نقدهای مسیحی، برهان‌های اسلامی، ترجمه و تحلیل مجموعه‌ای از شانزده مقاله به قلم رشید رضا است. رضا در این مقالات در مقابل نقدهای مبلغان مسیحی و سکولارها، از اسلام دفاع کرده است. این مقالات اول بار در مجله المنار (بین سال‌های ۱۹۰۱ - ۱۹۰۳)، در پاسخ به نشریات مختلفی بود که در صدر آنها اباحت‌المجتهدین (مجله نیکولا جبرئیل) قرار داشت، و نیز در پاسخ به مقالاتی بود که مبلغان پروتستان در مجلاتی مثل بشیرالسلام و ریایات صهیون منتشر می‌کردند. سه مقاله آخر کتاب در واکنش به مقالاتی است که در مجله سکولار - اومانستی فرج انطون، یعنی الجمعه، نوشته شده‌اند. در ۱۹۰۵ رضا بر آن شد تا این شانزده مقاله را جمع و در کتابی مستقل منتشر کند، و نام آن را شبهات النصرار و حجج الاسلام نهاد (ویراست‌های دوم و سوم پس از مرگ رضا، به ترتیب در سال‌های ۱۹۴۷ و ۱۹۵۶، منتشر شدند). گرچه بنای اولیه آن بوده است که به نقدهایی پاسخ دهد که در آثار مبلغان مسیحی و سکولارها علیه اسلام طرح شده بود، عملاً مقالات مجال آن را فراهم کردند تا رضا بحث‌های گسترده‌تری درباره مباحثی چون ماهیت دین، وحی و نص، رابطه اسلام و دیگر ادیان، و اهمیت مرجعیت دینی و سیاسی در اسلام و مسیحیت طرح و بحث کند.

رضا در مقدمه کتاب توضیح می‌دهد که ترسی از این ندارد که حملات وارده به اسلام موجب تغییر دین مسلمانان به مسیحیت شود، بلکه

1. Christian Criticisms of Islamic Proofs: Rashid Rida's Modernist Defense of Islam; Translation and analysis by Simon A. Wood; Oxford: Oneworld, 2008. 226 pp. Price HB £40.00.

2. Temple University; Princeton University.

## دیگر رنگ‌اشته‌ها

# نقدهای مسیحی، برهان‌های اسلام

کترینا ایوانیا - Princeton University - Katharina Ivanyi

## سید محسن اسلام

چکیده: کتاب نقدهای مسیحی، برهان‌های اسلامی اثر سیمون وود، ترجمه و تحلیل مجموعه‌ای از شانزده مقاله به قلم رشید رضا از متفکران مسلمان برجسته در اوایل قرن بیستم است. رضا در این مقالات، در مقابل نقدهای مبلغان مسیحی و سکولارها، از اسلام دفاع نموده است. نویسنده در ابتدا مقاله، پس از بیان هدف رضا از نگارش مقالات خود و محتوای آن‌ها، به معرفی کتاب وود، استدلال‌ها و شیوه کاروی در نگارش کتاب می‌پردازد. در انتها، با بیان مختصر محتوای کتاب در قالب فصول مجزا و ارزشیابی ترجمه کتاب وود، مقاله خویش را به پایان می‌رساند.

کلیدواژه: کتاب نقدهای مسیحی، برهان‌های اسلامی، سیمون وود، رشید رضا، دفاع از اسلام، نقدهای مبلغان مسیحی و سکولارها، معرفی کتاب.

شد، موجب تضعیف اسلام می‌شود.

وود گذشته از ترجمه متن شانزده مقاله، ارزیابی اندیشمندان‌ای از چند موضوع مقتضی که رضا درباره‌شان سخن گفته است، به خواننده‌اش ارائه می‌دهد. او برپرسش روابط مسلمان - مسیحی متمرکز می‌شود، و نیز بر طرق متنوعی که متفکران مسلمان با «مدرنیته» درگیر شده‌اند (اگرچه وود هیچ تعریفی از اصطلاح «مدرنیته» به دست نمی‌دهد).

فصل اول خلاصه‌ای از دورنمای گفتمان‌های مسلمانان دوران کلاسیک و مدرن درباره مسیحیت پیش می‌نهد. سپس، در فصل دوم، بحثی درباره زمینه تاریخی‌ای که آثار رضا باید در سیاق آن فهم شوند، ارائه می‌شود. فصل سوم به تحلیل جامع دیدگاه رضا درباره مسیحیت، در شباهت اختصاص یافته است (همراه با بحثی جالب توجه درباره مفهوم دین فطرت)، و فصل چهارم به این می‌پردازد که آیا می‌توان به درستی رضا را «بنادگرا» دانست یا نه.

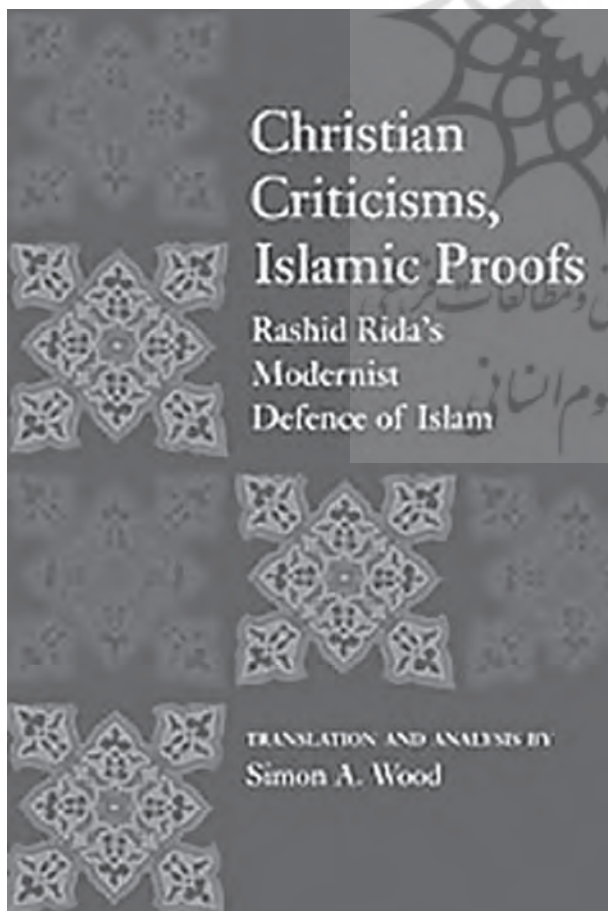
وود به خوبی مفهوم «بنیادگرایی» را ساخت شکنی می‌کند و استدلال می‌کند که در عوض باید رضا را «مدرنیست» دانست. با این حال، وود در بحث خود درباره «بنیادگرایی» به یک نکته مهم اشاره نمی‌کند: معمولاً کسانی که تحت عنوان «بنیادگرا» قرار می‌گیرند، عموماً قائل به

بیشتریم آن دارد که مسلمانان اساساً در دین و دیانت شک کنند (ص ۶۹). از این روست که او بر خود فرض می‌داند به اظهاراتی از این قبیل پاسخ دهد: اسلام اساساً به نسبت مسیحیت نازل تراست؛ اسلام دینی اساساً ضد عقلی است؛ قرآن ناسازوار و مغشوش است؛ مسلمانان دستور قرآن درباره تورات و انجیل را واقعی نمی‌دهند؛ اسلام فقط در صورتی می‌تواند با غرب به چالش برخیزد که مسلمانان سیاست را از مرجعیت دینی جدا کنند، و... رضا به هریک از این نقدها به تفصیل پاسخ می‌دهد. پاسخ‌های او گاه کاملاً اصیل و غیرمدافعه‌گرانه‌اند و گاه کمتر چنین‌اند.

از اولین چیزهایی که توجه خواننده را جلب می‌ند، طبعاً این است که رضا به طور غیرمنتظره‌ای دو تعبیر «استدلال‌های مغلوب مسیحیان» و «برهان‌های اسلام» را در عنوان کنار هم نهاده است. رضا توضیح می‌دهد که وی عمدتاً بنای مقایسه دودین، یا دو جامعه دینی را نداشته است، بلکه او استدلال‌هایی را که بعضی مسیحیان - که لزوماً نمایانگر ذات مسیحیت نیستند - پیش نهاده‌اند، با آنچه که به نظر او اسلام آرمانی است (و البته، لزوماً اسلامی نیست که همقطاران مسلمان او نمایان می‌کنند) مقایسه می‌کند. بازی با کلمات رضا در تعبیر شباهت نیز قابل توجه است. شهبه، یعنی «استدلال مغلوب» که موجب شک در اذهان مسلمین می‌شود (همان، پاورقی ص ۳۱).

رضا به مقایسه متون آیین یهود، مسیحیت و اسلام می‌پردازد و با وسواس و دقت، دیدگاه سنتی مسلمانان درباره تحریف تورات و انجیل را پیش می‌نهد. به علاوه او تحولات سه دین را بر حسب چرخه زندگی انسان‌ها توضیح می‌دهد؛ یعنی این سه دین، به ترتیب به این دوره‌های زندگی شبیه‌اند: کودکی، نوجوانی، و بلوغ. افزون بر این، او اسلام و مسیحیت را بر اساس سه هدفی که برای دین قائل است، مقایسه می‌کند؛ یعنی ۱. «تصدیق باورهایی که موجب کمال عقل می‌شوند». ۲. «پرورش اخلاقیاتی که موجب کمال نفس می‌شوند». ۳. «کمال اعمالی که به روزی و سود بر اساس آنها به دست می‌آید و موجب کمال بدن می‌شوند» (ص ۸۷).

رضا بر غیرعقلانی بودن ذاتی آموزه مسیحی، و نیز بر «زیاده‌روی» آن در آموزه‌های اخلاقی تأکید می‌کند. به نظر رضا، دستورات اخلاقی از قبیل «دشمنانت را دوست بدار» و «برای آنان که به شما جفا می‌کنند، دعا کنید» نه تنها تحقیرکننده‌اند، اساساً آزادی چیزی می‌خواهند که قادر به انجام آنها نیست. رضا در مقابل غیرعقلانی بودن مسیحیت، بر اسلام چونان «دین عقل» تأکید می‌کند. نیز او به تفصیل به جدایی‌ناپذیری سپهرهای دینی و سیاسی در اسلام می‌پردازد، و استدلال می‌کند که «مرجعیت مدنی در اسلام از دین به دست می‌آید، یا اینکه [باید بگوییم] مرجعیت مدنی همان مرجعیت دینی است» (ص ۱۹۹). جدایی این دو، چنان‌که در اروپای مسیحی محقق



آنند که اسلام باید در عرصه سیاست جایگاه کلیدی داشته باشد. این بدان معناست که غالب آنهایی «بنیادگرا» نامیده می‌شدند، باید ذیل مقوله‌ای که امروزه رایج‌تر است، یعنی «اسلام سیاسی» یا «اسلام‌گرایی»، قرار گیرند. قطعاً رضا معتقد بود که اسلام باید در قالب اصطلاحات و تعبیرسیاسی بیان شود، و بدین سبب است که او ابعاد تفکر عبده را به شکلی سیاسی‌تر گسترش می‌دهد.

ظاهراً به هنگام بحث از تفکر اسلامی مدرن با یکی از دو مشکل طبقه‌بندی یا معناشناختی روبرویم. هنوز هم راجع به تعاریف مقولاتی چون «سلفی»، «مدرنیست»، «اسلام‌گرا»، و مانند آنها توافقی وجود ندارد؛ نیز درباره اینکه کدام تفکر باید ذیل کدام یک از این عنوان قرار بگیرد، توافقی نیست. وود به «میزانی از ابهام» (ص ۲۱) درستی اشاره می‌کند، و مطمئناً تحقیق او به همچون بنیانی مورد نیاز برای بحث‌های احیاشده در این موضوع، کمک می‌کند.

ترجمه وود درجه یک است؛ با این حال، به سبب «مقدم شمردن امانتداری بر روانی متن» (ص ۶۶) گاه موجب شده است ترجمه زیاده از حد لفظ به لفظ باشد، و این امر باعث دشواری متن شده است. به علاوه، بعضی مطالب که متخصصان مطالعات اسلامی یا کسانی که دانش مناسبی از زبان عربی دارند، به آسانی آنها را می‌فهمند، ممکن است برای خواننده عام مشکل باشند. این امر حاشیه‌هایی را در پاورقی می‌طلبد؛ با این حال، پاورقی‌ها، همچون کتابنامه‌ای که وود تنظیم کرده است، عالی‌اند.

در مجموع، کتاب نقدهای مسیحی، برهان‌های اسلامی مطالب بسیار ارزشمندی بر مطالعات تفکر مدرن اسلامی افزوده است. این کتاب به همه کسانی که می‌خواهند درباره اندیشه‌های یک شخصیت کلیدی مسلمان اوایل قرن بیستم درباره مسیحیت، روابط مسیحی - مسلمان، و جایگاه دین در سپهر سیاسی چیزی بیاموزند، توصیه می‌شود.<sup>۳</sup>